



شماره شانزدهم
تابستان ۱۳۹۰
صفحات ۷۹-۵۹

بررسی وزن اشعار عامیانه فارسی براساس نظریهٔ وزنی

لیلا ضیامجیدی*

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی

دکتر امید طبیب‌زاده

دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینای همدان

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی وزن اشعار عامیانهٔ فارسی براساس نظریهٔ وزنی بروس هیز اختصاص دارد. شعر عامیانهٔ فارسی وزنی تکیه‌ای-هجایی دارد؛ یعنی وزنی که براساس تکرار تکیه‌ها در فواصل هجایی مساوی به‌وجود می‌آید. نظریهٔ وزنی که یکی از شاخه‌های منشعب از واج‌شناسی زایشی است، سلسله‌مراتب وزنی را در شعر تعیین می‌کند و آنها را بر نمودارهای درختی نشان می‌دهد. در این مقاله پس از شرح نظریهٔ وزنی، شعر عامیانهٔ فارسی را که به ترتیب، مصراع، شطر و پایه‌ها هستند، بر نمودارهای درختی نشان می‌دهیم و قواعد مطابقت وزن تکیه‌ای-هجایی را در این نوع اشعار ارائه می‌کنیم.

واژگان کلیدی: شعر عامیانه، نظریهٔ وزنی، وزن تکیه‌ای-هجایی، شطر، پایه

*lziamazjidi@yahoo.com

نشانی پست الکترونیکی نویسندهٔ مسؤول:

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۴/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۳۱

۱- مقدمه

دو نوع وزن پر کاربرد در زبان فارسی وجود دارد، یکی وزن تکیه‌ای-هجایی اشعار عامیانه فارسی که ریشه‌های آن به احتمال زیاد به دوره‌های پیش از اسلام بازمی‌گردد (نک. طیب‌زاده، ۱۳۸۲)، و دیگری وزن کمی یا عروضی اشعار کلاسیک فارسی که احتمالاً در قرن دوم یا سوم اسلامی به تقلید از شعر عروضی عربی شکل گرفته‌است (نک. لازار، ۱۹۹۴ و صادقی، ۱۳۵۷). در شعر عروضی، پایه‌های وزنی براساس تقابل هجاهای سبک (ضعیف) و سنگین (قوی) شکل می‌گیرد، ولی پایه‌های وزن تکیه‌ای-هجایی براساس تقابل هجاهای بی‌تکیه (ضعیف) و تکیه‌بر (قوی) پدید می‌آیند. در این پژوهش، پس از پرداختن به چارچوب نظری پژوهش، به بحث درباره‌ی وزن تکیه‌ای-هجایی در شعر عامیانه فارسی می‌پردازیم و آن را براساس نظریه‌ی وزنی توصیف می‌کنیم.

۲- نظریه‌ی وزنی بروس هیز^۱

در اواخر دهه‌ی هفتاد قرن بیستم، دو نظریه تقریباً به‌طور هم‌زمان در ادامه‌ی سنت واج‌شناسی زایشی - که در کتاب *الگوهای صدایی انگلیسی* چامسکی و هله (۱۹۶۸) مطرح شده بود- شکل گرفتند و انگاره‌ای غیرخطی را در واج‌شناسی زایشی شکل دادند: نظریه‌ی واج‌شناسی خودواحد^۲ و نظریه‌ی وزنی^۳. مهم‌ترین ویژگی این دو نظریه این بود که برای توصیف عناصر واجی، از انگاره‌ای سلسله‌مراتبی پیروی می‌کردند.

نظریه‌ی وزنی در مطالعات مربوط به وزن شعر نقش بسزایی داشته‌است. بروس هیز در مقاله‌ای با عنوان «واج‌شناسی و نظریه‌ی وزنی» (۱۹۸۸) به ارتباط واج‌شناسی و وزن شعر می‌پردازد و نشان می‌دهد که هرچند قالب‌های وزنی در شعر هر زبان طبق سنتی قدیم شکل گرفته‌است، این قالب‌ها همواره خود را با اجزای واج‌شناختی در شعر نشان می‌دهند. به اعتقاد وی وزن‌شناسی و واج‌شناسی، حوزه‌های بسیار نزدیک و مرتبطی هستند که از برخورد آنها نتایج درخشانی حاصل می‌شود. وزن‌شناسی تنها بخشی از حوزه‌ی بوطیقااست که ادبیات را از نگاه ساخت‌گرایی بررسی می‌کند. به‌نظر بروس هیز، جالب‌ترین پیشنهاد در وزن‌شناسی زایشی از سوی هله و کیسر در دهه‌ی شصت مطرح

1. Hays, B
2. autosegmenta
3. metrical

شده است. به نظر او وزن شناسی زایشی اساساً به مسأله خوش ساختی وزنی می‌پردازد و قواعد آن را نمایش می‌دهد. او «وزن» را یک صورت موزون انتزاعی می‌داند که با نخستین کسانی که در یک سنت وزنی شعر سروده‌اند، آغاز می‌شود، و تمام افرادی که از آن سنت پیروی می‌کنند، به‌ناچار مجموعه‌ای از قواعد تلویحی مربوط به وزن را در ذهن دارند. این قواعد تعیین می‌کنند که کدام زنجیره واجی در زبان آنها نمونه خوش ساختی از یک وزن را می‌سازد. این زنجیره‌ها موزون خوانده می‌شوند و زنجیره‌هایی را که از این قواعد پیروی نمی‌کنند، ناموزون می‌نامند. به‌عنوان مثال وزن پنج ضربی آی‌مبیک^۱ انگلیسی معمولاً از زنجیره‌ای ده‌هجایی تشکیل می‌شود که به تناوب، ضعیف^۲ (w) و قوی^۳ (s) هستند: w s w s w s w s w s. شعر زیر از شکسپیر یک نمونه موزون از این قالب وزنی در زبان انگلیسی است، در حالی که نمونه b یک نمونه ناموزون شناخته می‌شود (هیز، ۱۹۸۸: ۹):

a. Beshrew that heart that makes my heart to groan

w s w s w s w s w s

b. Then beshrew it, it provokes groans daily

w s w s w s w s w s

موزون بودن یک پدیده نسبی است، یعنی در میان اشعار موزون نیز برخی اشعار موزون‌ترند. به‌عنوان مثال نمونه c با اینکه نمونه نادری در اشعار شکسپیر است، در قیاس با نمونه a، نمونه پیچیده‌تری از وزن آی‌مبیک پنج‌ضربی انگلیسی است. به عبارت دیگر، شعر a از شعر c موزون‌تر است:

c. Prison my heart in thy steel bosom's ward

w s w s w s w s w s

هله و کیسر، مفهوم «پیچیدگی وزنی» را ارائه می‌کنند و برآن‌اند که مجموعه‌ای از قواعد، قضاوت شنوندگان را در مورد میزان موزون بودن شعر تعیین می‌کند. این قواعد تعیین می‌کنند که وزن یک مصراع یا یک شعر تا چه حد از ایده‌آل وزنی دور یا بدان نزدیک است. از این منظر هدف اولیه وزن شناسی، کشف قواعدی است که بر موزون بودن و پیچیدگی ساخت وزنی یک شعر در سنت‌های وزنی جهان حاکم است.

-
1. Iambic
 2. weak
 3. strong

تعیین سلسله‌مراتب واحدهای واجی از موضوعات مهم در نظریهٔ وزنی است. این نظریه، شکل‌گیری اجزای واجی در هجاها، هجاها در پایه‌ها^۱ و به همین ترتیب، پایه‌ها در ساخت‌های بالاتر را نشان می‌دهد. در نظریهٔ وزنی، ویژگی‌های آوایی واحدهای واجی مورد نظر نیستند، بلکه بیش از هر چیز ارتباط سلسله‌مراتبی^۲ واحدهای واجی اهمیت دارد. این روابط می‌توانند شامل ساخت هجا، گروه‌بندی، تکیه و... باشند. براساس این نظریه، ابتدا واج‌ها با هم ترکیب می‌شوند و هجاها را می‌سازند، و سپس ترکیب هجاها پایه‌ها را می‌سازد. پایه واحدی است بزرگ‌تر از هجا که تنها دارای یک هجای قوی است. تعریف پایه در زبان‌های مختلف متفاوت است؛ یعنی هر زبانی به شیوهٔ خاص خود هجاهایش را درون پایه‌ها و پایه‌هایش را درون کلمات انتظام می‌بخشد (نک. طیب‌زاده، ۱۳۸۸). پایه‌ها با هم ترکیب می‌شوند و کلمه را می‌سازند و پس از آن به ساخت جمله و واحدهای بزرگ‌تر می‌رسیم. پس از شکل‌گیری پایه‌ها، خود پایه‌ها با هم ترکیب شده و واحد بزرگ‌تری به نام شطر^۳ را می‌سازند. شطر واحد وزنی کوچک‌تر از مصراع است که از یک یا چند پایه تشکیل می‌شود. در مرحلهٔ بعد شطرها ترکیب می‌شوند و مصراع را تشکیل می‌دهند. شایان ذکر است که در همهٔ نظام‌های وزنی، واحد شطر وجود ندارد. تا آنجاکه به بحث ما مربوط می‌شود، می‌توان به سلسله‌مراتب ریتمیک که در نظریهٔ وزنی بررسی شده‌اند، اشاره کرد (نک. کیپارسکی، ۱۹۷۷ و هیز، ۱۹۸۹ و ۱۹۸۸). طبق این بررسی‌ها می‌توان اجزای وزنی شعر را بر نمودارهای درختی نشان داد و انطباق آنها را با واحدهای واجی مشخص کرد. برای این منظور ابتدا باید اجزای تشکیل‌دهندهٔ وزن شعر را شناسایی کرد و سپس به بررسی انطباق آن با واحدهای واجی پرداخت. هیز برای بررسی دقیق میزان موزون بودن شعر، قواعد مطابقه^۴ را معرفی می‌کند که به اعتقاد وی تعیین می‌کنند چه هنگام مواد زبانی یک شعر کاملاً با انگارهٔ انتزاعی وزنی هماهنگ‌اند.

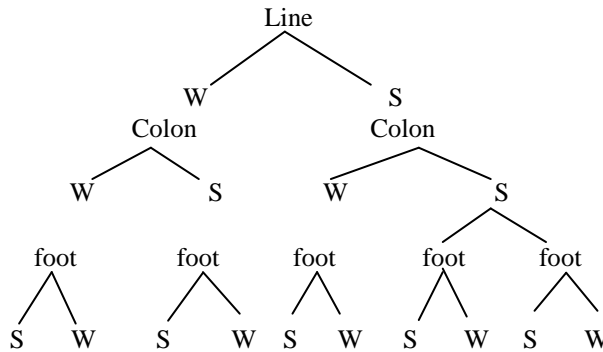
برای بیان نظام سلسله‌مراتبی اشعار مختلف، ابتدا نمودار وزنی آنها را مشخص و واحدهای وزنی را به ترتیب، در آن مرتب می‌کنیم؛ یعنی واحدهای واجی را درون هجاها،

-
1. feet
 2. hierarchical
 3. colon
 4. correspondence rules

هجایها را درونپایه‌ها، پایه‌ها را درون شطرها و در مرحله بالاتر، شطرها را درون مصرع‌ها نمایش می‌دهیم. با نمایش ساختار وزنی شعر در قالب این نمودار سلسله‌مراتبی، درجه برجستگی هجایهای مختلف و قواعد مطابقت مخصوص هر وزن را می‌توان بررسی نمود. از آنجا که بیشترین میزان موزون بودن یک شعر براساس قواعد مطابقت مشخص می‌شود، باید این قواعد را نیز به روشنی بیان کرد و نشان داد که میزان موزون بودن یک شعر و یا دور بودن آن از وزن ایده‌آل چه حد است. در ادامه با ارائه مثال‌هایی از وزن شعر انگلیسی و ترکی آذری، مباحث فوق را تبیین می‌نماییم.

۳- توصیف وزن شعر انگلیسی براساس نظریه وزنی

هیز (۱۹۸۸) وزن سه نظام وزنی دنیا را براساس نمودارهای درختی توصیف کرده‌است. وی وزن پنج‌پایه‌ای آیمبیک انگلیسی، وزن شعر ده‌هجایی حماسی صربوکرواتی و وزن نواختی شعر چینی را بررسی و قواعد مطابقت آنها را ارائه کرده‌است. او در قالب نمودار با کمک قواعد مطابقت، توصیف دقیقی از وزن این اشعار ارائه داده و نشان داده‌است که انگاره انتزاعی وزن را می‌توان بر نمودارهای درختی نظریه وزنی نشان داد. برای مثال وی نمودار زیر را برای وزن آیمبیک پنج‌پایه‌ای انگلیسی آورده‌است:



۱- نمودار وزنی برای وزن پنج‌پایه‌ای انگلیسی

نمودار فوق نشان می‌دهد که قالب پنج‌تایی متشکل از پنج پایه است که هر کدام به ترتیب، یک جایگاه ضعیف و یک جایگاه قوی دارند. پایه‌ها درون شطرها تقسیم شده‌اند، به طوری که پایه سمت راست هر شطر قوی‌ترین پایه است (برای آگاهی بیشتر

در مورد پایه نک. طیب‌زاده، (۱۳۸۶). بنابراین هر مصراع شامل یک شطر ضعیفِ دوپایه‌ای و یک شطر قوی سه‌پایه‌ای است.

قواعد مطابقه که موزون بودن مصرع را تعیین می‌کنند، عبارت‌اند از:
الف) تعداد هجا: هجاها یک‌به‌یک در گره‌های پایانی نمودار قرار می‌گیرند.
ب) گروه‌بندی: مرز مصراع باید منطبق بر مرز یک گروه نحوی باشد.

قواعدی که تکیه‌ها را مشخص می‌کنند نیز عبارت‌اند:
الف) تک‌هجایی‌ها: هجای تکیه‌بر باید در جایگاه S قرار بگیرد، مگر اینکه: ۱- شامل یک کلمه تک‌هجایی باشد؛ ۲- بلافاصله قبل از مرز گروه نحوی باشد.
ب) در انتهای‌ترین بخش سمت راست یک گروه نحوی، زنجیره بی‌تکیه-تکیه‌بر باید در جایگاه WS قرار بگیرد.
طبق توصیف فوق می‌توان موزون بودن اشعار پنج‌پایه‌ای آیمبیک انگلیسی را تعیین نمود (برای اطلاعات بیشتر نک. هیز، ۱۹۸۸).

۴- توصیف وزن شعر هجایی ترکی آذری براساس نظریهٔ وزنی

در شعر ترکی آذری نوعی وزن وجود دارد که اگرچه تکیه نیز در آن نقش دارد، ولی وزن هجایی نامیده می‌شود. در این نوع شعر، تساوی تعداد هجاهای هر مصراع و همچنین محل تکیهٔ وزنی، ایجاد وزن می‌کند. در شعر هجایی ترکی، هر مصراع دارای تکیه و یا تکیه‌های وزنی ثابت و نیز تکیه‌های ثانوی است. نمونهٔ دیگر این نوع وزن، وزن شعر فرانسه است که قواعدی مشابه وزن هجایی ترکی دارد. در هر دوی این اوزان، در میان مصراع مکثی وجود دارد که با یک تکیهٔ وزنی ایجاد می‌شود و این تکیه لزوماً بر مرز کلمه قرار می‌گیرد. علاوه بر این تکیهٔ وزنی، در هر مصراع تکیه‌های ثانوی وجود دارند که در شعر هجایی ترکی آذری لزوماً در مرز کلمات واقع نمی‌شوند. به‌عنوان مثال، منظومهٔ معروف «حیدربابا» اثر شهریار، در وزن هجایی سروده شده‌است. هریک از مصراع‌های این شعر ۱۱ هجا دارند و وزن آن $۳+۴+۴$ است. در هر مصراع، سه تکیهٔ وزنی قابل توجه وجود دارد و می‌توان گفت هر مصراع از سه شطر تشکیل شده‌است که در مرز کلمه واقع می‌شوند. درون هر یک از شطرها، مکث‌های ثانوی نیز داریم که مرز آنها لزوماً منطبق بر مرز کلمه نیست. برای مثال بند اول این شعر و تقطیع آن را در زیر می‌بینیم:

حیدربابا ایلدیرملر شاخاندا (حیدربابا چو برق، درخشد در آن دیار)،
 hej dær| ba bɑ|| il|di rim lær ||ʃɑ xɑn |dɑ,
 سلر، سولار/ شاقلیدایوب/ آخاندا (سیلاب‌ها بگرد و ریزد ز کوهسار)،
 sel lær| su lær|| ʃɑq|qɑ dɑ jub|| α xɑn| dɑ,
 قیزلار اونا/ صف باغلیوب/ باخاندا (صف بسته دختران به تماشای آبشار)،
 qiz lær| o nɑ|| sæf bɑq| lɑ jub|| bɑ xɑn| dɑ,
 سلام اولسون/ شوکتوزه،/ ائلوزه (از ما به ایل و جاه و جلالت سلام یاد).
 sæ lɑm| ol sun|| ʃo kɑ| tu zæ|| ?e ly| zæ.
 منیم ده بیر/ آدیم گل سین/ دیلوزه (دارم امید کز من بیدل کنید یاد).
 mæ nim| dɑ bir|| ?ɑ dɪm| gæl sin|| di ly| zæ.

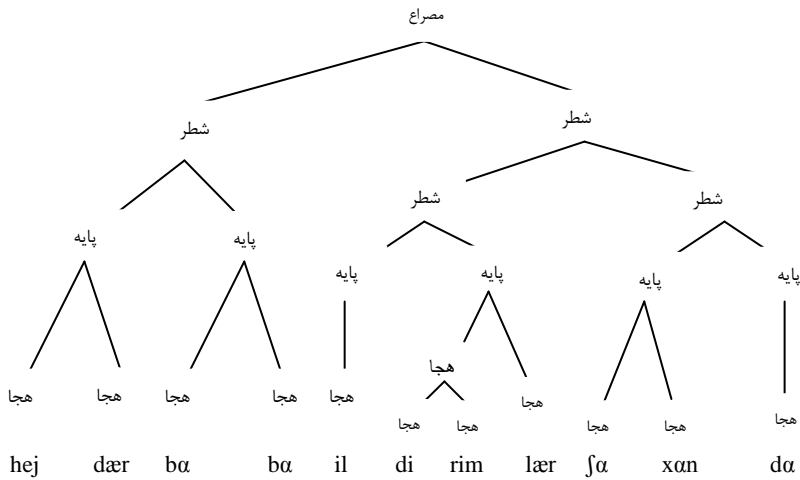
چنان‌که ملاحظه می‌شود، هر مصراع این شعر سه شطر دارد و وزن هجایی آن را می‌توان این‌گونه توصیف کرد:

- ۱- مرز شطر باید منطبق بر مرز کلمه باشد.
- ۲- دو شطر اول چهارهجایی‌اند. تقسیم‌بندی ایده‌آل برای این نوع شطر که تعداد هجای آن زوج است، تقسیم‌بندی متقارن است؛ یعنی ۲+۲. این شطر در اکثر موارد رعایت شده‌است. در صورتی‌که هجای اول شطر، هجای بسته یا سنگین و هجای دوم آن، باز یا سبک باشد، مرز پایه در هجای اول بسته می‌شود. در شطر اول از مصرع اول، تقسیم‌بندی هجاها به صورت ۲+۲ است: حیدر/ بابا، ولی در شطر دوم تقسیم‌بندی به صورت ۱+۳ درآمده است: ایل/ دیرملر.
- ۳- در شطر سوم که سه‌هجایی است، تقسیم‌بندی به صورت ۲+۱ است، مگر در مواردی که هجای دوم شطر، هجای باز و هجای اول، بسته باشد. در این صورت نیز مرز پایه در هجای اول بسته می‌شود و پایه به صورت ۱+۲ قرار می‌گیرد. در تمام مصرع‌های بند اول شعر، تقسیم‌بندی هجایی در شطر سوم به صورت ۲+۱ است، ولی در مصرع زیر، به دلیل سنگین یا بسته بودن هجای اول شطر و باز یا سبک بودن هجای دوم، این تقسیم‌بندی به صورت ۲+۱ دیده می‌شود: یاد/ اله.

بیزده ن ده بیر/ ممکن اولسا/ یاد اله (اگر شد از ما نیز یاد کن).

biz dæn| dæ bir|| mum kin| ol sɑ|| jɑd| ?e læ.

برای توصیف اشعار هجایی در قالب نظریهٔ وزنی، ابتدا باید واحدهای وزنی را در این شعر تعریف کنیم. در شعر هجایی، بزرگ‌ترین واحد وزنی مصراع و سپس شطر است. در اینجا سلسله‌مراتب وزنی را برای این شعر معرفی می‌کنیم و قواعد مطابقه را براساس نمودار نشان دهیم. در نمودار زیر سلسله‌مراتب وزنی را از بزرگ‌ترین واحد وزنی، یعنی مصراع، تا واحدهای واجی نشان می‌دهیم. مثلاً برای شعر یازده‌هجایی که تقسیم‌بندی معمول هجاهای آن به صورت ۳+۴+۴ است، نمودار زیر، ساخت وزنی شعر را مشخص می‌کند:



۲- نمودار وزنی شعر ۱۱ هجایی در «حیدر بابا»

۵- تحقیقات پیشین در مورد وزن شعر عامیانه فارسی

۵-۱- خانلری

خانلری نخستین بار سال ۱۳۲۷ در کتاب *تحلیل انتقادی در عروض فارسی* و سپس سال ۱۳۳۷ در کتاب *وزن شعر فارسی* دو نکته را در مورد ترانه‌های عامیانهٔ تهرانی حائز اهمیت دانسته‌است. نخست اینکه این ترانه‌ها دارای وزن دقیقی هستند و دیگر اینکه، این وزن، عروضی نیست، بلکه با قواعد دیگری جز عروض منظوم شده‌است (ناتل خانلری، ۱۳۸۶: ۶۹). برای نمونه وی یکی از ترانه‌های معروف را به صورت زیر تقطیع می‌کند:

دیشب که بارون اومد ت / تن / ات / تن / تن

خانلری تصریح می‌کند که یکی از شرط‌های مهم در میزان فوق این است که روی هجاهای معینی از آن تکیه کنیم، وگرنه وزن آن به کلی مخدوش می‌شود. طبق تقطیع وی، منطقاً هجاهایی را که با «تن» مشخص شده‌اند باید تکیه‌بر، و هجاهایی را که با «ت» مشخص شده‌اند، باید بی‌تکیه دانست. به اعتقاد او تکیه در این وزن از مبانی اصلی است و تعیین موضع آن بر هجاهای معین، لازمهٔ تشخیص وزن است. خانلری سپس مصرع فوق را برحسب قواعد عروضی نیز تقطیع و نام‌گذاری می‌کند. وی وزن این شعر را «مفاعلهٔ فعولن» (یا فعل فعل فعولن) می‌داند، نه «مستفعلن مفعولن». از این‌رو خانلری می‌کوشد تا با طرح مسألهٔ تکیه، قواعدی در اختیار بگذارد که طبق آنها بتوان وزن «مستفعلن مفعولن» را به وزن «مفاعلهٔ فعولن» یا «فعل فعل فعولن» تبدیل کرد. طبق یکی از این قواعد «گاهی به‌جای هجای کوتاه، هجای بلند و به‌جای بلند، هجای کوتاه می‌توان قرار داد» (همان: ۷۱)، اما او توضیح نمی‌دهد که دقیقاً در چه زمانی و تحت چه شرایطی این تغییر و تبدیل‌ها صورت می‌گیرد. این قاعده به‌هیچ‌وجه صورت مشخص و دقیقی ندارد و تنها هدف او این است که به هر قیمتی وزن را به آن وزن موردنظر تبدیل کند. قاعدهٔ دوم وی نیز چنین وضعی دارد. به اعتقاد او شمارهٔ هجاها در اوزان ترانه‌های عامیانه، مانند شعر عروضی ثابت نیست، «یعنی ممکن است دو هجای بی‌تکیه، تند خوانده شود و به‌جای یک هجا قرار بگیرد» (همان: ۷۳). منظور وی این است که دو هجای بی‌تکیه در هر جا لازم باشد یک هجا منظور می‌شود، اما توضیح نمی‌دهد که شرایط حاکم بر چنین تغییر و تبدیلی چه باید باشد. به‌رحال خانلری طبق قواعد مینِ عندی فوق، هجای نخستین و هجای پنجم شعر فوق را کوتاه در نظر می‌گیرد و از وزن «- - U - U - U» به وزن «- - U - U - U» می‌رسد:

دیشب که با رو نو مد

- - U - U - U

م فاع لن فاعولن

درواقع خانلری وزن شعر عامیانهٔ فارسی را همان وزن عروضی می‌داند، اما از مفهوم تکیه استفاده می‌کند تا مواردی را که خلاف قاعدهٔ وزن عروضی است، توجیه کند. وی تصریح کرده‌است که وزن ترانه‌های عامیانهٔ تهرانی نه هجایی است و نه عروضی، بلکه مبناى وزن در آنها دو اصل است، یکی کمیت هجاها (مانند شعر عروضی) و دیگری

تکیه (همان). متأسفانه خانلری بیش از این درباره وزن شعر عامیانه سخن نگفته است و توضیحات مختصر وی نمی‌تواند حجم عظیم اشعار عامیانه فارسی را توصیف کند.

۵-۲- وحیدیان کامیار

تقی وحیدیان کامیار در بررسی وزن شعر عامیانه (۱۳۷۵)، کوشیده است ثابت کند که تکیه در وزن شعر عامیانه نقشی ندارد و وزن این شعر مانند وزن شعر رسمی عروضی است، با این تفاوت که از اختیارات شاعری بیشتری برخوردار است. وی شعر عامیانه را از این حیث با شعر عربی مقایسه می‌کند که دارای اختیارات شاعری نسبتاً زیادی است. وی متذکر می‌شود که اختیارات شاعری فراوان در شعر عامیانه، سبب می‌شود که سرودن آن سهل‌تر از شعر رسمی فارسی باشد. به اعتقاد وحیدیان کوچک‌ترین واحد وزن‌دار در شعر عامیانه، مانند شعر رسمی، مصراع است، اما تعداد مصوت‌ها در شعر عامیانه مانند شعر رسمی ثابت نیست، یعنی مصوت‌های کوتاه شعر عامیانه را برحسب قرائتشان باید گاهی به‌ضرورت بلند و مصوت‌های بلند آن را کوتاه منظور کنیم. از نظر وحیدیان، هر مصوت کوتاهی را در شعر عامیانه می‌توان به‌ضرورت وزن بلند، و هر مصوت بلندی را کوتاه محسوب داشت تا آن شعر در قالب وزن عروضی مورد نظر بگنجد. وحیدیان برای توصیف وزن شعر عامیانه فارسی به چهار نوع اختیارات شاعری (شامل قلب، ابدال، حذف و اضافه) متوسل شده است، اما این اختیارات نیز معتبر نیستند، چون هیچ محدودیت صوری و قاعده مشخصی حاکم بر وقوع آنها نیست و تنها عامل تعیین‌کننده آنها همانا شمّ وزنی و گوش است.

۵-۳- طیب‌زاده

طیب‌زاده در تحلیل شعر عامیانه فارسی (۱۳۸۲)، ساختار وزنی اشعار عامیانه را تکیه‌ای-هجایی می‌داند. وزن تکیه‌ای-هجایی دارای پایه‌های خاصی است که از تکرار یا تفلیق آنها شطرها و سپس الگوهای وزنی گوناگونی در قالب مصراع‌ها پدید می‌آید. پایه‌های وزن تکیه‌ای-هجایی براساس تقابل هجاهای بی‌تکیه (ضعیف) و تکیه‌بر (قوی) پدید می‌آید. از نظر او مهم‌ترین مسأله در تعیین وزن شعر عامیانه مشخص کردن پایه‌ها و شطرهای آن است. پایه کوچک‌ترین واحد وزنی در شعر عامیانه است که خود مرکب از یک یا چند هجاست. هجاهای پایه با یک تکیه یا ضرب قوی گرد هم می‌آیند و به پایه

موجودیت می‌بخشند، و از کنار هم قرار گرفتن پایه‌ها شطر پدید می‌آید. البته گاه یک پایه به تنهایی یک شطر است، اما در غالب موارد هر شطر مرکب از دو پایه است. ضرب قوی روی آخرین پایه شطر قرار می‌گیرد و مکث نسبتاً بلندی که به دنبال آن می‌آید، از جمله اسباب شکل دادن شطرهاست. از کنار هم قرار گرفتن شطرها، بزرگ‌ترین واحد وزنی شعر عامیانه، یعنی مصراع، پدید می‌آید.

به اعتقاد طبیب‌زاده، تعیین پایه‌ها در شعر عامیانه از طریق قرائت متداول این شعر و مشخص کردن مکث‌های بلند و کوتاه میان هجاهای مصراع صورت می‌گیرد. تعیین پایه‌ها در این شعر بیشتر مانند تعیین پایه‌ها در وزن تکیه‌ای آلمانی یا انگلیسی است و نه افاعیل عروضی در شعر عربی و یا شعر فارسی رسمی. در وزن آلمانی و انگلیسی مهم‌ترین معیار برای تعیین پایه‌ها شنیدار است، اما در شعر عروضی فارسی، علاوه بر شنیدار از نوشتار هم می‌توان بهره جست، زیرا وضع مصوت‌های کوتاه و بلند در نوشتار فارسی، اگر نه به طور کامل، آن قدر که مبنای تقطیع قرار گیرد، مشخص است. قابل پیش‌بینی بودن محل تکیه در پایه‌های شعر عامیانه فارسی سبب می‌شود که بتوان به راحتی آن را ضرب گرفت، اما صرفاً با تکیه بر تقطیع پایه‌ها نمی‌توان تشابه وزنی را میان مصراع‌هایی که اجزای یک قطعه شعر را تشکیل می‌دهند و هم‌وزن هستند، نشان داد. به اعتقاد او نمایش وزن در اشعار عامیانه باید مبتنی بر واحد وزنی بزرگ‌تر، یعنی شطر باشد. با تقطیع اشعار به شطرها، تشابه وزنی مصراع‌های هم‌وزن کاملاً نمایانده می‌شود. طبیب‌زاده پس از معرفی ساختار وزنی و انواع اوزان تکیه‌ای - هجایی فارسی عامیانه، حدود سیصد قطعه شعر عامیانه را تقطیع کرده است. به عنوان مثال تقطیع شعر «اتل متل» را در زیر می‌بینیم:

اتل متل توتوله
 - | - - || - - | - -
 گاو حسن چه جوره
 - | - - || - - - | -

در تقطیع بالا، هر خط تیره نمایانگر یک هجا، هر تک خط عمودی نشان‌دهنده مرز پایه، و دو خط عمودی نشان‌دهنده مرز شطر است.

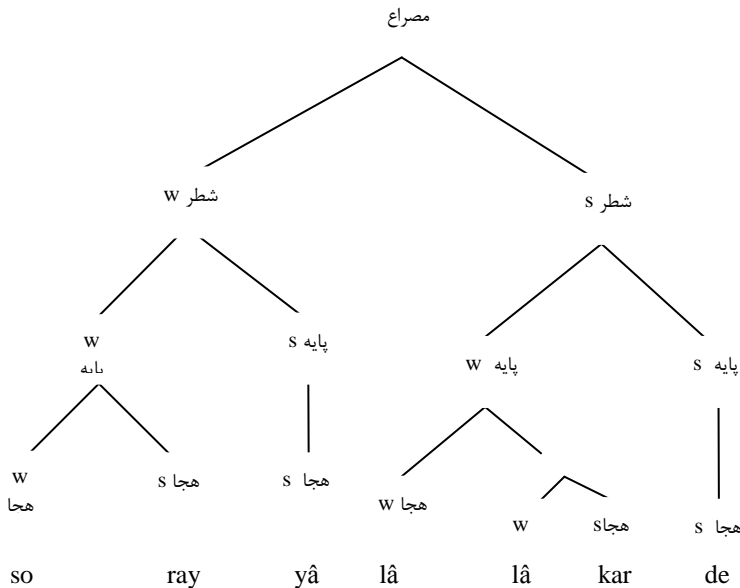
۶- توصیف وزن شعر عامیانه فارسی براساس نظریه وزنی

در این مقاله می‌کوشیم براساس دیدگاه طبیب‌زاده که اجمالاً شرح داده شد، شعر عامیانه فارسی را در چهارچوب نظریه وزنی بروس هیز توصیف کنیم. اجزای وزنی در

وزن تکیه‌ای-هجایی شعر عامیانه، به ترتیب، مصرع، شطر، پایه و هجاست و پایه‌های وزنی آن نیز تک‌هجایی، دوهجایی، سه‌هجایی، چهارهجایی و پنج‌هجایی‌اند. پایه شش‌هجایی و هفت‌هجایی در شعر عامیانه بسیار کم است و این پایه‌ها همواره به‌عنوان شطرهای چهارهجایی در نظر گرفته می‌شوند. در واقع در شعر عامیانه فارسی تنها با گوش‌دادن و ضرب‌گرفتن آهنگ یا ریتم شعر، می‌توانیم پایه‌ها را تعیین کنیم، ولی قواعد تشکیل شطرها ساده‌تر و روشن‌تر از قواعد تشکیل پایه‌هاست. به عبارت دیگر، اگر بتوانیم پایه‌های شعر عامیانه را به‌درستی تقطیع کنیم، با استفاده از چند قاعده کلی به‌سادگی می‌توان شعر را به شطرهایش تقطیع کرد. برای نمایش وزن شعر عامیانه، شطرها مبنای تقطیع‌اند، نه پایه‌ها. به‌عنوان مثال به نمایش سلسله‌مراتب وزنی وزن تکیه‌ای-هجایی در شعرهای زیر توجه شود:

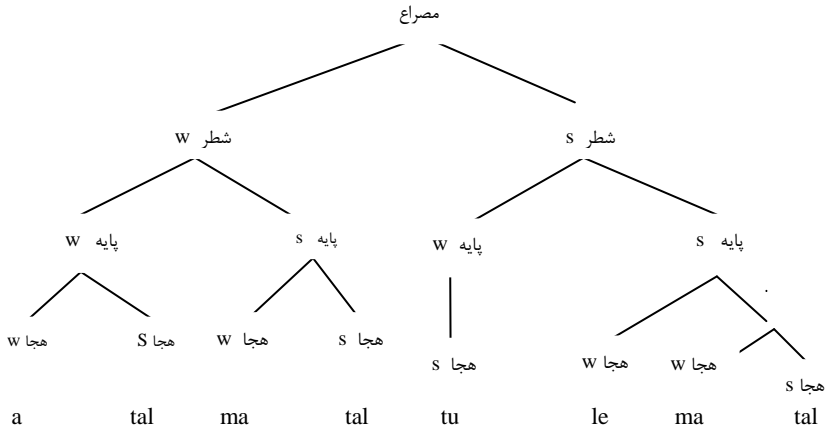
- | - - - || - | - -
- | - - - || - | - -

ثریا لالا کرده
منو دیوونه کرده



--- | || --- | ---
 --- | || --- | ---

اتل متل تول متل
 پنجه به شیرمال شکر



۴- نمودار وزنی شعر «اتل متل توتوله»

چنان‌که در بخش‌های پیش دیدیم، بروس هیز در کنار نمایش وزن شعر بر نمودارهای وزنی، قواعد مطابقه را نیز ارائه می‌دهد. برای تعیین قواعد مطابقه در شعر عامیانه فارسی، قواعد کلی تقطیع شعرها و قواعد وزن شعر عامیانه را ذکر می‌کنیم. قواعد تعیین شطر، قواعد لازم‌الاجرائی هستند که در تمام اشعار عامیانه فارسی به کار می‌روند.

۶-۱- قواعد تقطیع شطرها

قاعده اول: مرز شطر همواره با مرز پایه منطبق است. هر جا شطر آغاز شود، آغاز پایه نیز هست و هر جا شطر پایان یابد، پایه نیز به پایان می‌رسد، ولی عکس آن لزوماً صادق نیست. برای مثال در شعر زیر، در مرز شطر همواره مرز پایه نیز داریم:

--- | || --- | --- دنیای ما عیونه
 --- | || --- | --- هر کی می‌خواد بدونه

قاعده دوم: هر پایه سه‌هجایی یا بیشتر، در آغاز مصراع خود لزوماً یک شطر است:

--- | || --- قل هو الله احد
 --- | || --- موشه رفت لای نم

قاعده سوم: تعداد هجاهای هر شطر، جز شطرهای پنج‌هجایی که خود یک پایه هم هستند، هیچ‌گاه بیشتر از چهارتا نمی‌شود. مثلاً در شطر زیر، پایه دوهجایی آغاز مصراع‌ها خود یک شطر است، زیرا مجموع هجاهای این پایه، با پایه سه‌هجایی بعدی پنج‌تا می‌شود که مغایر اصل فوق است:

ارباب خودم سلام علیکم
- || - - | - - || - - - || - -

قاعده چهارم: هر پایه سه‌هجایی یا بیشتر، پس از مرز شطر خود، لزوماً یک شطر است. مثلاً در شعر زیر، پایه سوم که شامل پنج هجاست و پس از مرز شطر واقع شده‌است، یک شطر مستقل محسوب می‌شود:

یارب خر من چه شده که مرده
- || - - - - (-) || - - - || - -

۶-۲- انواع شطرها

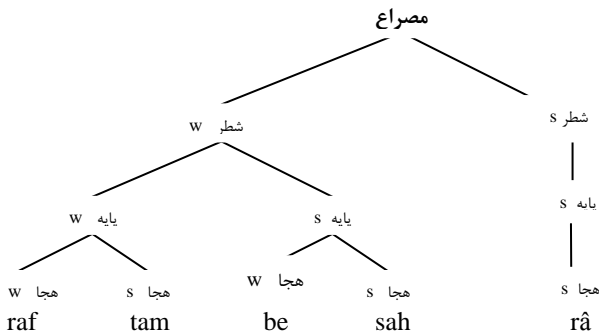
در ادامه انواع شطرها را در وزن شعر عامیانه معرفی می‌کنیم و آنها را بر نمودارهای وزنی نشان می‌دهیم:

۶-۲-۱- شطر تک‌هجایی

شطرهای تک‌هجایی تقریباً همواره در پایان مصراع ظاهر می‌شوند و طبعاً گونه‌های مختلفی نیز ندارند. مصراع اول شعر زیر را بر نمودار وزنی می‌بینیم:

رفتم به صحرا
دیدم خرخاکی
گفتم خرخاکی
چقدر ناپاکی

- || - - | - -
- || - - | - -
- || - - | - -
- || - - | - -

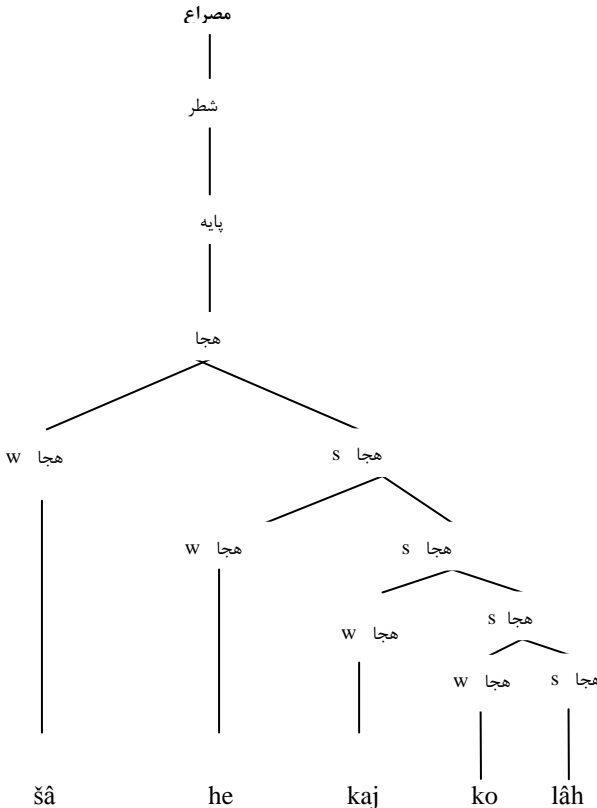


۵- نمودار وزنی شعر «رفتم به صحرا»

۶-۲-۵- شطر پنج‌هجایی

این شطر همواره در قالب یک پایه مستقل ظاهر می‌شود و هیچ‌گاه از ترکیب دو یا سه پایه کوچک‌تر، مثلاً «- - | - - | - -»، «- - | - - | - -» و یا «- - | - | - -» حاصل نمی‌آید. وقتی تمام مصراع‌های شعر از شطرهای پنج‌هجایی تشکیل شده باشد و یا محل شطر پنج‌هجایی در تمام مصراع‌های شعر ثابت باشد (یعنی مثلاً در یک مصراع مبدل به شطر چهارهجایی نشده باشد)، می‌توان آن شطرها را پنج‌هجایی در نظر گرفت. مثلاً شعر زیر دارای مصراع‌هایی است که هرکدام مرکب از یک شطر پنج‌هجایی است:

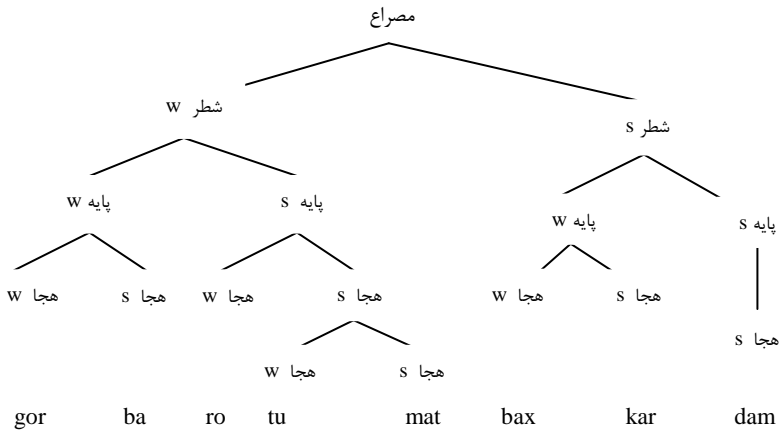
----- شاه کج کلاه
----- رفته کربلا



۹- نمودار وزنی شعر «شاه کج کلاه»

شطر پنج‌هجایی در مصراع دوم قطعه‌شعر زیر را باید چهارهجایی در نظر گرفت، زیرا شطرهای متناظر با آن در مصراع‌های دیگر همه چهارهجایی‌اند:

- یخ کردم و یخ کردم - | - - | - -
 گربه رو تو مطبخ کردم - | - - | - - - | - (-)
 گربه زن عموم شد - | - - | - - - - | -
 دمپختکا تموم شد - | - - | - - | - -



۱۰- نمودار وزنی شعر «گربه رو تو مطبخ کردم»

۶-۲-۶- شطرهای شش‌هجایی و بیشتر

تقریباً همواره شطرهای شش‌هجایی و بیشتر، به شطر چهارهجایی تبدیل می‌شوند.

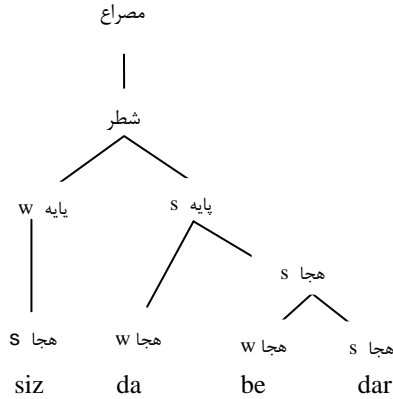
مثلاً در مصراع دوم شعر زیر، شطر شش‌هجایی مبدل به شطر چهارهجایی می‌شود:

- آی تو به باغ رفته بودی - - - | - || - - - | -
 بله بله بله رفته بودم - - - | - || - - - | - (-)

۶-۳- انواع وزن در شعر عامیانه فارسی

۶-۳-۱- وزن‌های یک‌شطری

- سیزده بدر - - - | -
 سال دگر - - - | -
 بقچه به سر - - - | -



۱۱- نمودار وزنی شعر «سیزده بدر»

۶-۳-۲- وزن های دوشطری

نمودارهای ۷، ۸ و ۱۰ نمونه هایی از وزن دوشطری اند.

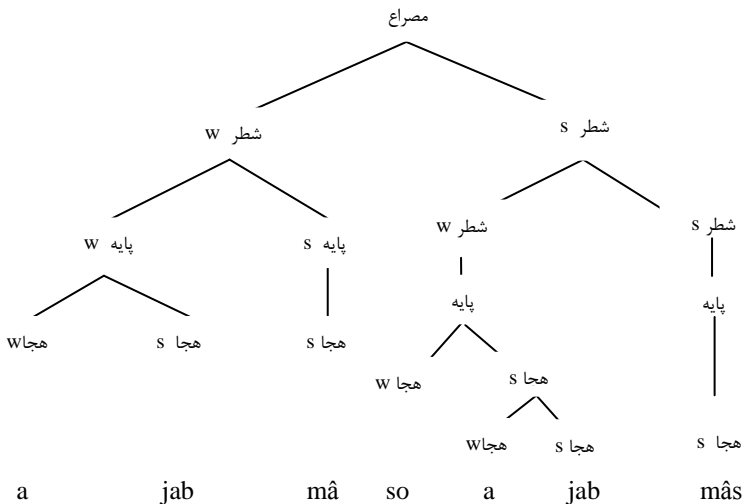
۶-۳-۳- وزن های سه شطری

- | - - - | - | - -

عجب ماس و عجب ماس

- | - - - | - | - -

عجب ماس کل عباس

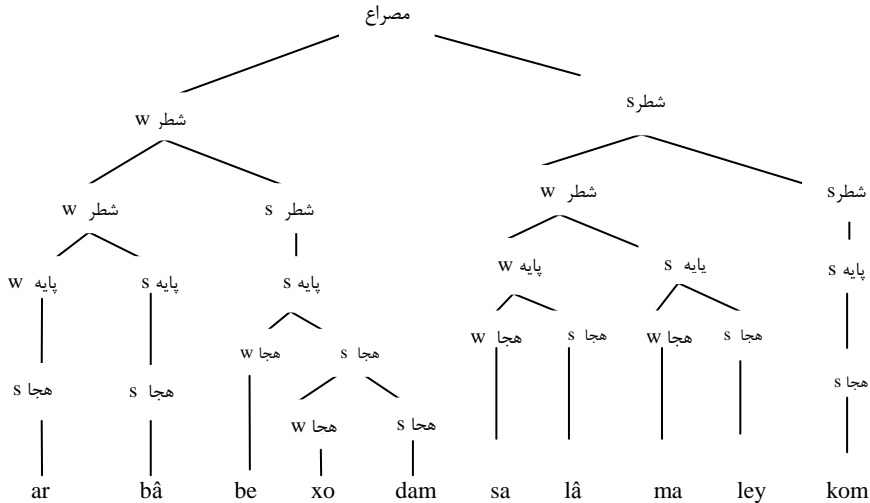


۱۲- نمودار وزنی «عجب ماس و عجب ماس»

۶-۳-۴- وزن‌های چهارشطری

- || - - | - - || - - - || - | -
 ارباب خودم سلام علیکم

- || - - | - - || - - - || - | -
 ارباب خودم به من نگا کن



۱۳- نمودار وزنی شعر «ارباب خودم سلام علیکم»

چنان‌که دیدیم وزن تکیه‌ای-هجایی شعر عامیانه فارسی را به‌راحتی می‌توان بر نمودارهای وزنی نشان داد. این نوع وزن شباهت بسیاری با وزن هجایی در شعر ترکی آذری (ضیامجیدی، ۱۳۸۸) و همچنین وزن اشعار عامیانه کردی (ضیامجیدی و امینی، ۱۳۸۹) و شعر گیلکی (طیب‌زاده، ۱۳۸۹) دارد.

همان‌گونه که بر روی نمودارها نیز دیدیم، قواعد مطابقت برای شعر عامیانه فارسی چندان پیچیده نیست. درواقع، مفهوم پیچیدگی وزنی در شعر عامیانه کمتر است، زیرا تکیه‌های وزنی طبق قالب وزنی از پیش تعیین‌شده‌اند و قواعد پیچیده‌ای نیز برای مرز پایه و مرز شطر نداریم. برای مثال در شعر هجایی ترکی، مرز شطر همواره باید منطبق بر مرز کلمه باشد، ولی در شعر عامیانه فارسی چنین محدودیتی در هنگام تعیین مرز شطر و پایه نداریم. به همین دلیل شعر عامیانه جنبه موسیقایی بیشتری دارد و به‌راحتی می‌توان آن را ضرب گرفت.

۷- نتیجه گیری

وزن تکیه‌ای هجایی شعر عامیانه فارسی، ساختاری سلسله‌مراتبی دارد که از واحدهای وزنی مصراع، شطر، پایه و هجا تشکیل شده‌است. ساختار منظم و قاعده‌مند این وزن را به راحتی می‌توان بر نمودارهای وزنی نمایش داد. با این روش، هم توصیف دقیق تری از وزن اشعار عامیانه داریم و هم گامی در جهت یکی از اهداف وزن‌شناسی زایشی برداشته‌ایم که همان توصیف جهانی‌ها در وزن شعر است.

منابع

- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۵۷)، *تکوین زبان فارسی*، تهران: دانشگاه آزاد ایران.
- ضیامجیدی، لیلیا (۱۳۸۸)، *دو نوع وزن در اشعار ترکی شهریار: تحقیقی براساس نظریه وزنی*، رساله کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا.
- ضیامجیدی، لیلیا و امینی، محسن (۱۳۸۹)، «وزن اشعار فولکلور در کردی کله‌ری»، *مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات کردی*، سنندج: دانشگاه کردستان، صص ۱۶۸-۱۴۵.
- _____ (۱۳۹۰)، «بررسی شعر هجایی ترکی آذری براساس نظریه وزنی» (عروض فارسی از دیروز تا امروز)، *مجموعه مقالات اولین همایش وزن شعر فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۲۴۳-۲۵۸.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۸۲)، *تحلیل وزن شعر عامیانه فارسی*، تهران: نیلوفر.
- _____ (۱۳۸۸)، «ساخت وزنی و تکیه‌واژه در فارسی: پژوهشی براساس نظریه وزنی»، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال اول، شماره ۱، صص ۶۳-۷۸.
- _____ (۱۳۸۹)، «بررسی تطبیقی وزن‌های کمی و تکیه‌ای-هجایی در فارسی و گیلکی»، *فصلنامه ادب پژوهی*، شماره ۱۱، صص ۳۰-۷.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۶)، *وزن شعر فارسی*، تهران: توس.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۵)، *بررسی وزن شعر عامیانه*، تهران: آگاه.
- Chomsky, N, and Halle, M (1968), *Sound pattern of English*, MIT Press.
- Hays, B (1988), "Metrics and Phonological Theory", *Linguistics*, Vol 2.
- _____ (1989), "The prosodic Hierarchy in meter", in Kiparsky, P. and G. Yumans (eds), *Rhythm and Meter*. Orlando, FL: Academic press, pp 201-260.
- Kiparsky, P (1977), "The Rhythmic Structure of English verse", *Linguistic Inquiry* 8 , pp189- 247.
- Lazard, G (1994), "Le mètre épique baloutchi et les origins du motaqâreb", *Arabic prosody and its applications in muslim poetry: UPSALA*.